

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم وېر ژنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر میر عبدالحکیم عزیز
۲۰۰۹/۳۱/۸

اوضاع سیاسی جاری کشور

حین اشتراک در تجلیل از نودمین سالروز استرداد استقلال کشور و اولین سالگرد تاسیس "پورتال افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" به تاریخ ۲۲ اگست در شهر اسن در آلمان، نظرات خود را به اختصار خدمت هموطنان تقدیم کردم. درینجا سعی میکنم نکات عمده صحبت صرفاً شفاهی خود را تا جاییکه در حافظه ام باقی مانده، به رشته تحریر درآورم. اگر تفاوتی بین صحبت در آن محفل و این تحریر پدید می آید، معذرت خود را پیشاپیش خدمت هم میهنان تقدیم میکنم.

هموطنان گرامی: قبل از آغاز سخن، استرداد استقلال کشور را از تسلط برتانیه به همه شما بزرگان تبریک میگویم و امیدوارم که وطن مصیبت زده ما کاملاً از شر هر نوع استعمار رهائی یابد و به آزادی و استقلال خود برسد. سال گذشته، دولت مزدور و مستعمراتی کابل مرتکب جنایت عظیمی شد: به بهانه صرفه جویی، از تجلیل جشن استقلال کشور منصرف گردید، اما بعداً با صدور یک فرمان ضد ملی از کارنامه سیاه خائنترین خانین (احمد شاه مسعود) تجلیل بعمل آورد. البته این طرز کار تعجب ندارد. از یک دولت مستعمراتی نمیتوان جز این چیزی دیگری متوقع بود.

صحبت من پیرامون اوضاع سیاسی جاری کشور است. این یک موضوع بسیار وسیع است و من سعی میکنم که با تماس به حوادث تاریخی نه چندان دور، صحبت خود را بر روزهای اخیر متمرکز سازم.

بعد از شکست تر راه رشد غیر سرمایه داری، سران کریملین به این نتیجه رسیدند که بهترین راه غرض رسیدن به هدف در کشور های مورد نظر به راه انداختن کودتا های نظامی توأم با تجاوز است. این شیوه در دوکتورین بریژنف تجلی یافت و عملی گردید. تجاوز بر چکوسلوواکیا و کودتا های متمایل به مسکو در حبشه و افغانستان میتواند مثال های عمده به شمار آیند. شوروی برای تسلط خود عمال زیادی در کشور های مورد نظر تربیه کرد تا طرح های آن کشور را در عمل پیاده کنند. در افغانستان احزاب خلق، پرچم و ستم ملی وظیفه خیانت به کشور را به دوش گرفتند. شوروی همچنان در سطح عالی دولت به سویه وزیر و سفیر هم به قدر کافی عمال داشت تا مسکو را در راه رسیدن به هدف یاری دهند. امروز می بینیم که همین خاک فروشان در خدمت امپریالیسم غرب قرار داشته و نمایندگانی مانند گلابزوی و علومی در پارلمان دارند و حبیب منگل هم کاندید شان برای احراز پست ریاست جمهوری نظام مستعمراتی کابل است. خلقی ها، پرچمی ها و ستمی ها به خیانت به کشور عادت

کرده اند و وطنفروشی برای اینها به يك فرهنگ همیشگی تبدیل شده است. اگر احياناً روزی بنگله دیش به افغانستان هم تجاوز کند، این فروخته شدگان طبق عادت در خدمت متجاوزین بنگالی خواهند بود.

طوریکه تغییر را در روش ستراتیژیک شوروی مشاهده کردیم، امریکا و غرب هم زیر عنوان نیو لیبرالیسم، غرض رویارویی با شوروی و تسلط بر جهان راه و روش های جدیدی ابداع کردند که بعداً در قیافه دوکتورین بوش متجلی شد:

تحمیل دموکراسی به زور و ایجاد مؤسسات غیر دولتی (ان جی او ها) برای تعمیق هر چه بیشتر استعمار. تجاوز امریکا بر عراق و افغانستان مثال های عمده است. امریکا صد ها هزار عراقی را به هلاکت رسانید تا دکتاتوری صدام حسین را منهدم کند و به اصطلاح دموکراسی را در آن کشور پیاده نماید. در حالیکه هدف اصلی امریکا تسلط کامل بر منابع نفتی عراق و مناطق ستراتیژیک شرق میانه است. با عین روش، تجاوز امریکا بر افغانستان برای انهدام ظاهری نظام طالبی و مبارزه با تروریسم، ده ها هزار افغان را نابود کرد و به قتل گاه ها فرستاد تا عطش انسان کشی بوش فروکش کند.

غرض تحقق بخشیدن اهداف استعماری، امریکا بر انتخابات جعلی تأکید میورزد و آنرا يك امر به اصطلاح دموکراتیک میپندارد. در واقعیت امریکا صرف میخواهد که رای مردم کشور های اشغال شده را هم در تأیید تجاوز خود داشته باشد و به آن مشروعیت بخشد و به جهان چنین وانمود سازد که این خود مردم همان کشور است که از ما دعوت به مداخله نموده است. همچنان با سرازیر شدن سیل مؤسسات غیر دولتی، استعمار میخواهد که در تار و پود مردم ما رخنه کند و مردم ما را به گروگان بگیرد. بعد از پروژه استعماری پیس کورپس (Peace Corps) و فعالیت آن در کشور های جهان سوم، ان جی او ها دومین طرح خطرناک برای تعمیق اهداف استعماری در کشور مورد نظر بوده که افغانستان نیز جز آنست.

انتخابات جعلی ریاست جمهوری توطئه ای دیگری است که مردم ما را به سوی اسارت دائمی می کشاند. اصلاً انتخابات در يك کشوری که در اشغال است و از خود استقلال و حاکمیت ندارد، غیر مشروع بوده و معنی ندارد. مبارزات انتخاباتی میان عمال استعمار صرف مردم فریبی است. استعمار قبلاً تصمیم خود را گرفته است که کدام شخص را مقرر نماید. شرکت در انتخابات و همکاری آگاهانه با نظام مستمراتی کابل از نگاه اینجانب يك عمل ناجایز و حتی خیانت ملی شمرده میشود و امید است که هموطنان با درد ما در دام فریبکاران نیفتند. من سیر مطبوعات امریکا را از آغاز سال جاری تا اکنون تعقیب کرده ام. مطبوعات امریکا میخواهد که ما را صرف در گمان زنی نگهدارد. ممکن است که مقامات امریکا تصمیم خود را در مورد اینکه کدام دست نشانده اش رئیس جمهور افغانستان مستعمره شود، قبلاً گرفته باشند. استعمار میخواهد که بار ها مردم ما را فریب دهد و طرح های خود را پیاده کند. اینکه کرزی رئیس جمهور مقرر میشود یا عبدالله و یا غنی احمدزی کمترین فرقی برای مردم محکوم ما ندارد. اینکه در انتخابات تقلب صورت گرفته یانه، باز هم مورد علاقه ما نخواهد بود زیرا ما به راه انداختن انتخابات را در زیر یوغ قوای اشغالی يك وسیله استعماری دانسته و آنرا از ریشه رد می کنیم. از آغاز سال نو تا اواخر ماه می، لحن مطبوعات امریکا از کرزی شدیداً انتقادی بود. تصور میشد که امریکا کسی دیگری را مدنظر دارد، لکن ممکن است که امریکا به این نتیجه رسیده باشد که شخص مناسب دیگری در درانی ها وجود ندارد که به او اتکاء نمود. پس يك کرزی فاسد بر عبدالله جاسوس چند جانبی نزد واشنگتن در حال کنونی برتری خواهد داشت. مردم ما برای رسیدن به آزادی و استقلال جز مبارزه و همکاری مستمر راه دیگری نخواهند داشت.

در اخیر خدمت داکتر صاحب روستار تره کی عرض کنم که مقاومت طالبان به هیچ وجه يك جنبش آزادیبخش ملی نیست. يك جنبش آزادیبخش ملی دو ممیزه دارد: اول، ایجاد يك جبهه وسیع مبارزاتی متشکل از کلیه اقشار و نیرو های مبارز و ضد استعماری (ناسیونالیست ها، مارکسیست ها و حتی سلطنت طلبان) در حالیکه مقاومت طالبی صرف قشری و غیر ملی است. دوم، نظر به ماهیت مبارزاتی خود هیچگونه ایدئولوژی بر جنبش آزادی بخش ملی حاکم نیست در حالیکه گروه طالبان ایدئولوژی مشخص خود را دارند.

درین جا صحبت خود را به پایان رسانیده و از حوصله مندی شما متشکرم.

